

یادداشت

آیا اصلاح قانون انتخابات با قانون اساسی مغایرت ندارد؟

محمدحسن باقری
پژوهشگر حقوق انتخاباتی

● طرحی برای اصلاح قانون انتخابات در مجلس بررسی شده است که از منظر مطابقت یا مغایرت با قانون اساسی تأمل‌برانگیز است. این یادداشت به بررسی مواد مختلف این طرح که به موضوع شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس اختصاص دارد، از منظر قانون اساسی می‌پردازد:

۱- در ماده (۴) این طرح مقرر شده است: «۲- ابراز وفاداری به قانون اساسی و ولایت فقیه». این مسئله در بند ۴ ماده ۲۸ قانون فعلی انتخابات مجلس با عنوان «ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مرفقی ولایت مطلقه فقیه» است، مجلس در این بند عبارت «ولایت مطلقه فقیه» را به «ولایت فقیه» تغییر داده و «اصل مرفقی» را از این بند حذف کرده است. این در حالی است که در اصل ۵۷ قانون اساسی عبارت ولایت مطلقه فقیه به کار رفته است. نکته دیگر آنکه مطابق بند (۱- ۱۰) سیاست‌های کلی انتخابات، مجلس شورای اسلامی مکلف شده بوده است که در چارچوب قانون اساسی معیار و شاخص دقیق نسبت به معیارهای التزام عملی به اسلام، قانون اساسی، نظام اسلامی و ولایت فقیه را معین کند که در این قانون این مهم مغفول مانده و مجلس تنها به حذف وصف «مطلقه» از واژه «فقیه» اکتفا کرده است!

۲- شرایط انتخاب‌شوندگان اثباتی است و احراز آنها برای مراجع رسیدگی‌کننده لازم و ضروری است. از آنجا که در تبصره ۴ ماده ۴ طرح اصلاحی، اصل را بر اعتقاد داوطلبان نمایندگی مجلس به اسلام و التزام عملی آنان قرار داده، مگر آنکه خلاف آن مطابق حکم قطعی دادگاه ثابت شود، تبصره مذکور مغایر با مدلول التزامی اصل ۶۲ قانون اساسی است. شورای نگهبان نیز در نظرات خود این مهم را مورد توجه قرار داده است؛ به‌عنوان‌نمونه این شورا در بند ۲ نظر شماره ۷۸/۲/۵۱۷۳ مورخ ۷۸/۵/۲۸/۱۳۷۸ در ارتباط با «طرح لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین درصالحیت‌شده در انتخابات مختلف» مصوب ۱۳۷۸/۵/۱۳ مجلس شورای اسلامی، اطلاق ماده‌واحده و تبصره ۱۱ آن را به دلیل فوق‌الذکر مغایر با اصل ۶۲ قانون اساسی اعلام کرد. همچنین شورای نگهبان در بند ۱۴ نظر شماره ۲۷۱۲/۳/۸۲ مورخ ۸۲/۳/۱۱/۱۳۸۲، تبصره ۳ لایحه اصلاح قانون انتخابات مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۴/۱۳۸۱ را نیز مغایر با اصل ۶۷ قانون اساسی اعلام کرد. در این تبصره دیگر شده بود: «اصل بر صحت اظهارات داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی در قلم ثبت‌نام است مگر اینکه خلاف آن از طرق قانونی ثابت شده باشد».

۳- قسمت دوم تبصره بند ۳ ماده ۴ این طرح که منابع استعلام صلاحیت داوطلبان را محدود به مراجع دولتی، یعنی وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت‌احوال کشور و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران دانسته مغایر با موازین شرعی، مقدمه قانون اساسی ، بند ۱ اصل ۳ و اصل ۶۷ قانون اساسی است. توضیح آنکه در این تبصره منابع استعلام شورای نگهبان تنها منوط به مراجع قانونی مذکور در قانون شده است. این حکم مستلزم ورود افراد است که فاقد شرایط مذکور در اصل ۶۷ قانون اساسی هستند و تأییا انحصار به طرق قانونی مستلزم نفی طرق معتبر شرعی جهت احراز شرایط انتخاب‌شوندگان است. توجه به این موضوع نیز در نظرات شورای نگهبان مسبق به‌سابقه است.

۴- موضوع بند ۴ ماده ۴ این طرح که ارائه مدرک تحصیلی کارشناسی/ارشد یا معادل آن به شرط داشتن هفت سال سابقه خدمت اجرایی در بخش‌های خصوصی یا دولتی یا فعالیت آموزشی یا پژوهش با تأیید مراجع ذی‌ربط را جزو شرایط نمایندگی مجلس برشمرد، از آنجا که افراد زیادی را از حق انتخاب‌شدن محروم می‌کند، مغایر با بند ۸ اصل ۳ و اصل ۲۰ قانون اساسی است. در ادوار گذشته مجلس شرایط مذکور این موضوع نیز مطرح شده است. در طرح اصلاح بند (۴) ماده (۲۸) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۸ یکی از شرایط انتخاب‌شوندگان، دارا بودن حداقل پنج سال سابقه علمی - آموزشی یا مدیریتی در بخش‌های دولتی، نظامی - انتظامی، عمومی یا خصوصی با تأیید هیئت‌های اجرائی و نظارتی انتخابات استان ذی‌ربط تعیین شده بود که با ایراد شورای نگهبان مواجه شد.

۵- تبصره بند ۵ ماده ۴ نیز که گفته سوشهرت داوطلب صرفاً با حکم قطعی دادگاه صالح اثبات می‌شود، به دلایل پیش‌گفته مغایر با بند ۱ اصل ۳، مقدمه قانون اساسی و اصل ۶۷ قانون فقهی است.

✎ آیا می‌توان انتظار داشت این بیماری همه‌گیر، روندهای اعتراضی پیش از بحران را معکوس کند؟
مقصود روندهایی است که منجر به شکل‌گیری جریان‌های مبارزه و اعتراض در کشورهای مختلف دنیا شده بود.

نخست بگویم که هر آنچه را در اینجا و در این روزها گفته می‌شود، باید به‌شدت نسبی تلقی کرد، زیرا داده‌ها و تحلیل‌های ما درباره بیماری کروناویروس محدود و به‌شدت و دائم در حال تغییر هستند؛ اما من هم مثل بسیاری دیگر از همکاران دانشگاهی و روشنفکران در ایران و جهان، فکر می‌کنم این وظیفه ماست که در همین شرایط نیز سکوت نکرده و نظرات خود را با قیدکردن این نسبتب پاسخ‌ها، بیان کنیم. دلیل اصلی از نظر من در آنچه شاید بتوان یک جامعه‌شناسی یا انسان‌شناسی «فوری» این پدیده به حساب آورد، این است که معتقدم فرایند تحول این بیماری در کوتاه‌مدت و درازمدت تأثیراتی بسیار منفی بر نظام‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جهان باقی خواهد گذاشت که احتمالاً کمتر از خود بیماری و آسیب‌های آن نخواهند بود و حتی ممکن است بیشتر باشد.

اما درباره پرسش شما، به نظر می‌رسد درمورد این ویروس مانند موارد پیشین، ما نه با یک موج، بلکه با چند موج پی‌درپی رویه‌رو باشیم؛ برای مثال در فصل تابستان فروکش کرده و از پاییز بار دیگر افزایش یابد. در این حالت، فرکانس فرود و فراز بیماری بر تأثیرات اجتماعی آن نیز تأثیر می‌گذارد، اما آنچه من در اینجا می‌گویم براساس روندی است که تاکنون از اواخر پاییز گذشته (آذر ۱۳۹۸- فوریه ۲۰۱۹) امروز (فروردین ۱۳۹۹- آوریل ۲۰۲۰) شاهدش بوده‌ایم، پیش‌بینی‌ها نیز تا حداکثر پاییز سال آینده به شرط یافته‌نشدن واکسن یا دوی موثر و تأییدشده مطرح شده‌اند. در این صورت باید بگویم که به احتمال زیاد نتهت‌ها بعید به نظر می‌رسد که شاهد امواج اعتراضی از جانب فرودستان شهری یا معترضان مدنی در جناح‌های پیشرو باشیم، بلکه درست برعکس امواج اعتراضی از سوی پوپولیست‌های راست علیه اقدامات دولت‌ها ممکن است اتفاق بیفتد یا شورش‌های گوری پدید بیاید که از جانب آنها مورد سوءاستفاده قرار بگیرد. مصداق این سخن نیز آن است که در همین هفته گذشته در میشیگان، ورچینیا، مینه‌سوتا و چند ایالت دیگر آمریکا، طرفداران ترامپ به خیابان‌ها ریخته‌اند و تاج‌های خود ترامپ که در چند توپیت از مردم این ایالات خواسته بود «ایالت خویش را آزاد کنند» به ناآرامی‌هایی دامن زده‌اند. راست آمریکا با وحشت از آنکه انتخابات ماه نوامبر آینده را بیازد، در حال سوءاستفاده شدید از این بیماری در تحریک مردم به شورش و در نهایت شاید به‌تعمیق‌انداختن انتخابات یا جلوگیری از رای‌آدن

پستی برای پیروزی مجدد ترامپ است. شبکه راست افراطی و پروپاگاندای فاکس‌نیز و پزشکان تلویزیونی آن نیز از جمله «دکتر آ» که مخاطبان ایرانی شبکه‌های ماهواره‌ای خوب او را می‌شناسند نیز همراه با راست آمریکا در این کارزار مشارکت دارند. همین سناریو را می‌توان اگر بیماری ادامه یابد، در کشورهای اروپای شرقی به‌ویژه در مجارستان، هند و ترکیه و برزیل که دولت‌های دست راستی پوپولیستی در آنها روی کار آمده‌اند، مشاهده کرد. به عبارت دیگر راست نولیبرالی برای نجات‌دادن سیستم سرمایه‌داری مالی و طرفدار عدم مسئولیت دولت در سلامت عمومی، کاملاً آمادگی دارد به بهای مرگ انسان‌ها که اغلب آنها فرودستان هستند (حدود ۷۰ درصد مرگ‌ومیر کرونا در آمریکا به‌طور تقریبی از جمعیت ۳۰ درصدی سیاهان آن است) به شورش‌هایی اجتماعی دامن بزند تا به بهانه «ناآرامی»، جناح‌های تندرو را به قدرت برساند یا در قدرت نگاه دارد. در این شرایط که به کمک به فرودستان و کسانی نیاز است که کمترین امکانات را برای محافظت از خود دارند، شک نداشته باشیم که جناح‌های راست و پوپولیستی، لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد که ترس و راهمه مردم را پلکان رسیدن به قدرت یا باقی‌ماندن خود در قدرت کنند؛ اما گمان نمی‌کنم در جهت مخالف بتوانیم جنبش‌هایی را ببینیم، زیرا این حرکات اعتراضی در سراسر جهان، پایه و اساس انسان‌دوستانه دارند و حاضر نیستند در این شرایط بحرانی و خطرناک جان انسان‌ها را برای مسائل سیاسی به خطر بیندازند.

✎ **حداقل در این فرصت کوتاه چندماهه این موضوع دیده شد که کرونا بر جریان اعتراضات مردمی که در دنیا گسترش یافته بود، تأثیر گذاشته است.**
از نظر شما کرونا چه آینده‌ای پیش‌روی اعتراضات مردمی گذشته است؟

آنچه گفتم بحثی تقریبی بود که شامل یک چشم‌انداز کوتاه‌مدت می‌شود؛ برای مثال چشم‌اندازی شش‌ماهه، زیرا در این مدت بسیار بعید است شاهد جنبش‌های اعتراضی مردمی گسترده به‌طورکلی و به‌ویژه از سمت فرودستان باشیم. مگر در اثر فشار فقر و دخالت‌نکردن کامل دولت برای جبران آن؛ اما برعکس در میان‌مدت به نظرم دو سناریو در پیش‌رو وجود دارد که هر دو جهانی است: در یکی از آنها این جنبش‌ها به‌صورت خشونت‌آمیز و مخرب و در

سیاست

درگفت وگو با ناصر فکوهی در باره آینده جنبش‌های مدنی مطرح شد

کرونا به کام کیست؟



ناصر فکوهی

سامان موحدی‌راد:کرونا در حالی در ابتدای ۲۰۲۰ بر دنیا سایه گسترانده بود که ۲۰۱۹ با جنبش‌های اعتراضی گسترده‌ای در سراسر دنیا به پایان رسیده بود. سالی که تجربه‌های خونین زیادی در خیابان‌های شهرهای مختلف دنیا داشت و همه‌گیری اعتراضاتش شهرهای زیادی را در بر می‌گرفت. از شیلی و هنگ‌کنگ تا لبنان و عراق و در مقاطعی هم خیابان‌هایی در ایران؛ اما همان‌طورکه اعتراضات مردمی در شهرهای زیادی در حال ویروس‌شدن بود، یک‌باره یک همه‌گیری ناشناخته دکه توقف بسیاری از امور از جمله اعتراضات مردمی را هم زد. ذات ابتلا به این بیماری که همه را مجبور کرده بود زندگی با فاصله‌ای از یکدیگر را تجربه کنند، عملاً امکانی برای ادامه اعتراضات نگذاشت. در این میان دولت‌ها هم چندان از سیاست‌های خود عقب‌نشینی نکردند؛ معترضان که به خانه‌هایشان رفتند، طرف دیگر ماجرا در زمین بدون مبارز به تاخت‌وتاز پرداخت. این موضوع دست‌مایه گفت‌وگویی با «ناصر فکوهی»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه شد تا با او درباره تأثیر کرونا بر اعتراضات اجتماعی و همچنین آینده اعتراضات مدنی در دنیای بعد از کرونا حرف بزنیم.

دیگری به‌صورت قدرتمند اما مسالمت‌آمیز به راه خواهند افتاد؛ اما به‌رحال گریزناپذیر خواهند بود. ابتدا بگویم چرا جنبش‌های گسترده فرودستان شهری را در چند سال آینده گریزناپذیر می‌دانم. دلیل اصلی این امر آن است که حتی اگر بیماری کروناویروس به امواج جدید نرسد و در همین پاییز مهار شود، تا همین امروز تعداد بی‌کاران در آمریکا در کمتر از یک ماه به ۲۲ میلیون نفر رسیده و پیش‌بینی می‌رود که به احتمال زیاد نتهت‌ها بعید به نظر می‌رسد که شاهد امواج اعتراضی از جانب فرودستان شهری یا معترضان مدنی در جناح‌های پیشرو باشیم، بلکه درست برعکس امواج اعتراضی از سوی پوپولیست‌های راست علیه اقدامات دولت‌ها ممکن است اتفاق بیفتد یا شورش‌های گوری پدید بیاید که از جانب آنها مورد سوءاستفاده قرار بگیرد. مصداق این سخن نیز آن است که در همین هفته گذشته در میشیگان، ورچینیا، مینه‌سوتا و چند ایالت دیگر آمریکا، طرفداران ترامپ به خیابان‌ها ریخته‌اند و تاج‌های خود ترامپ که در چند توپیت از مردم این ایالات خواسته بود «ایالت خویش را آزاد کنند» به ناآرامی‌هایی دامن زده‌اند. راست آمریکا با وحشت از آنکه انتخابات ماه نوامبر آینده را بیازد، در حال سوءاستفاده شدید از این بیماری در تحریک مردم به شورش و در نهایت شاید به‌تعمیق‌انداختن انتخابات یا جلوگیری از رای‌آدن

داشت و اقتصادهای آنها امروز به شکل وحشتناکی در برابر این بحران‌های اقتصادی فروپاشی می‌شود. تا ۲۰۰۸ سابقه نداشته است. در چین نیز که همراه آمریکا بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است، بحران‌های مشابهی را شاهد خواهیم بود؛ چون سطح مصرف به‌ویژه در طبقه متوسط، سقوط خواهد کرد. هم‌اکنون بحران‌های نفتی را نیز داریم که قیمت‌های نفتی را به صورت وحشتناکی کاهش داده‌اند. این تابستان بزرگ‌ترین کشورهای ثروتمند جهان نظیر فرانسه، بریتانیا، اسپانیا و ایتالیا تقریباً درآمد توربستی نخواهند داشت و اقتصادهای آنها امروز به شکل وحشتناکی ضربه خورده است. فراموش نکنیم که سطح پوشش بیمه و تأمین اجتماعی هرچند در اروپا خوب است، اما در سال‌های اخیر به دلیل سیاست‌های نولیبرالی به‌شدت ضربه خورده و در آمریکا هم که مشخص است؛ ایالات اکثریت نه بیمه درست و قابل تضمینی دارند، نه پسی‌اندازی و نه آمادگی برای بحران‌های بزرگ خانگی. همه این موارد سبب خواهند شد که با سقوط جهانی اقتصاد در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ رویه‌رو باشیم که سرچشمه جنبش‌های گسترده فرودستان شهری و البته ضدشورش و سرکوب‌های حاکمان و بالاگرفتن فاشیسم، نژادپرستی‌ها، ملی‌گرایی‌های ضد مهاجر و همه متعصبان است.

✎ **با پیش‌زمینه‌ای که ترسیم کردید، چند سناریو را می‌توان برای آینده پیش‌رو ترسیم کرد؟**
دو سناریویی که به نظرم قابل پیش‌بینی هستند، به انتخاب یا عدم انتخاب ترامپ (به‌مثابه یک شاخص نه یک مشخص) بازمی‌گردد. ترامپ به ادعان اکثریت ۵۰ تا ۶۰ درصدی آمریکایی‌ها و تقریباً تمام دانشگاهیان و روشنفکران، سیاست‌مداران کارگشته، اهل رسانه و اغلب هنرمندان این کشور، یک سارویفروش کلاهبردار نیویورکی، فرد بی‌اخلاق و بی‌احساس و بی‌مسئولیت و فاسد و زدی رسمی است؛ آن‌هم همراه با روابط بسیار مشکوک و تهدیدکننده از سازمان‌های نظامی تا فاسد جهان‌سومعی نظیر عربستان، ترکیه، برزیل و هند و دولت‌های اقتدارگرایی نظیر چین و روسیه. دلیل انتخاب‌شدن بار نخست ترامپ، رشد پوپولیسم در حد ۴۰ تا ۵۵ درصد در رای‌دهندگان آمریکایی، تخریب حزب جمهوری‌خواه از درون و همچنین تمایل راست نولیبرال آمریکا به در دست‌نگذاشتن از سازمان‌های عالی این کشور و دستگاه قضائی و لغو گسترده مالیات‌های سرمایه‌داران بزرگ بود که ترامپ همه را انجام داد؛ اما این غولی که از چراغ جادو درآمد، بسیار وحشتناک‌تر از چیزی بود که تصور می‌کردند و یک فاشیسم نو ظهور در آمریکا ایجاد کرد. «ترامپیسم» در حقیقت نه‌فقط نهادهای آمریکایی از سازمان‌های نظامی تا جاسوسی و قضائی و مقننه را به‌شدت تخریب کرد، بلکه جامعه مدنی آمریکا را نیز به‌شدت دوقطبی کرد و حزب جمهوری‌خواه را در شرف نابودی قرار داد؛ تقریباً همان کاری که نیکلا سارکوزی چند سال پیش با حزب گیلیست فرانسه کرد و نتیجه‌اش روی کار آمدن مکرون بود. در صورت انتخاب دوباره ترامپ نیز بحران‌ها در سطح آمریکا و جهانی به‌شدت افزایش یافته و احتمالاً شاهد جنبش‌های خشونت‌آمیزی در کل جهان خواهیم بود که ممکن است کار را به جنگ‌ها یا تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز بکشاند و این بدترین سناریوی ممکن است. سناریوی دوم روی کار آمدن دموکرات‌های معتدل است؛ یعنی جو بایدن که در این صورت آمریکا تلاش خواهد کرد با قدرت

از این اروپای تخریب‌شده بیرون آمد. پس از جنگ جهانی دوم شرایط متفاوت بود؛ اولاً بر خلاف جنگ قبلی آمریکا در طرح مارشال، آلمان را کنار نگذاشت و تجربه جهانی اول سبب شد به این کشور نیز کمک شود که رشد کند، بنابراین سیاست‌های آمریکا تحت تأثیر رهبری ارزنده روزولت در آغاز آن سبب شد دموکراسی و رشد اقتصادی در جهان بالا بگیرد. اما از تقریباً نیمه دهه ۱۹۵۰ هم سیاست آمریکا تغییر کرد و به طرف حمایت از دیکتاتوری‌ها و کودتاهای نظامی علیه دولت‌های جهان‌سومی (از جمله دکتر مصدق) رفت و هم تشدید فشارهای شوروی، اروپای شرقی را نیز وارد فرایندی از شورش‌ها کرد که هرچند شکست خوردند، اما ۲۰ سال بعد زمینه‌های فروپاشی شوروی را فراهم کردند. سیاست آمریکا در نهایت به برقراری دیکتاتوری در کل جهان سول و خشونت‌بارترین اشکال آن در کشورهای زیر سلطه مستقیم آن (آمریکا) میانی و جنوبی) انجامید و عملاً از به بعد تا امروز آمریکا سیاست حمایت از دیکتاتوری‌ها را ادامه داد و نتیجه‌اش همان جهان وحشتناکی است که امروز شاهدش هستیم. انتخاب مجدد ترامپ به این روند ادامه خواهد زد.

دام‌نهایت به نظر شما اعتراضات در دوران کرونا و بعد از آن تغییر شکل و ماهیت خواهند داد؟

اعتراضات به نظر من در سال‌های آتی بیشتر به مطالبات اقتصادی مربوط خواهند شد. فشار فقر ناشی از این بحران به‌شدت ممکن است بالا باشد. همچنین مطالبات برای آزادی‌های مدنی که به بهانه کرونا از افراد گرفته شده، ممکن است آغاز شوند. تمام این مسائل تا حد زیادی بستگی به آن دارد که آیا جنبشی جهانی برای دفاع از فرودستان و مبارزه با نولیبرالیسم شکل بگیرد یا نه؟ البته منظورم جنبشی خودانگیخته و در قالب خرده‌جنبش‌های کوچک در سراسر جهان و به‌ویژه از خلال جامعه مدنی است و همچنین به این بستگی دارد که جامعه مدنی و فعالان این جنبش، تا چه‌جا بتوانند با هوشمندی از دست‌کاری‌شدن به وسیله قدرت‌های بزرگ که سال‌هاست به این کار مشغولند خود را در امان نگه دارند و بازی آنها را نخورند.

✎ **شهروندانی که معترض بودند و حالا به دلیل کرونا دست از اعتراض کشیده‌اند یا چه چالش‌هایی مواجه هستند. چون از یک سو آنها یک‌طرفه مجبور به تعطیلی اعتراضات شده‌اند و از سوی دیگر دولت‌ها همچنان سیاست‌های خود را که خلاف یک‌طرفه مردم را از چرخه مبارزه خارج کرده و به دولت‌ها این فرصت را داده که نیک‌نمازی کنند، به نیک‌نمازی تا کجا تحمل می‌شود و چه نتیجه‌ای دارند؟**

متأسفانه موج اعتراضات در این شرایط بیشترین شکنندگی را در مقابل دست‌کاری دولت‌های بزرگ و همه‌کسانی دارد که به گونه‌های مختلفی بخواهند موقعیت پیش‌آمده با بحران کرونا، برای تقویت تزه‌ای ملی‌گرای، نژادپرستی و پوپولیستی استفاده کنند. بنابراین تا این بیماری در مرحله بحرانی است، عملاً نمی‌توان به جنبشی‌ای فکر کرد اما زنده نگه‌داشتن فرهنگ و فرایندهای فکری و اندیشه در جامعه و جلوگیری از نومیدی و نا‌ب به بهبود وضعیت به نظر من بسیار اهمیت دارد. انفعال، چه پیش و چه پس از کرونا، بزرگ‌ترین دشمن هرگونه جنبش و مبارزه‌ای برای دنیایی بهتر است. انفعال می‌تواند به‌سریعت به نومیدی تبدیل شود و به بی‌عملی که در نهایت عمل در جهت دنبال‌ه‌روی از سیستم‌های تخریب جهان، محیط زیست و سرکوب انسان‌هاست. دلیلی وجود ندارد دولت‌ها یکه‌نمازی کنند، اتفاقاً به نظر من انتقال گسترده مباحث و حضور اندیشه در پهنه مجازی فرصت‌های تازه‌ای به کوشندگان برای یک جهان بهتری می‌دهد که نباید از آن غافل باشند. اینکه تصور کنیم چون تماس‌های فیزیکی کم شده یا می‌شود و چون تجمع‌ها کم می‌شود که لزوماً خواهد شد - این به آن معناست که باید اهداف خود را برای جهانی بهتر، کمک به محیط زیست، افزایش آزادی‌های دموکراتیک و از همه مهم‌تر بهداشتی با کیفیتی بهتر و برای همه رها کنیم، کاملاً نادرست و در همان جهتی است که پوپولیست‌های نولیبرال مایلند رویدادها را به شویش سوق دهند.

✎ **فکر می‌کنید اتضاد سیاست‌های مرتبط با کرونا و مهار آن هم منجر به شکل‌گیری اعتراضاتی شود؟ برای مثل در همین هفته در هند شاهد تجمع دست‌افروزها و کارگرهای کارگری به‌هیچ‌وجه از بین نرفته؛ به سیاست‌های قرنطینه دولت اعتراض داشتند و کار به درگیری کشید.**
ادامه این وضعیت و نامعلوم‌بودن دورنمای آن موجب می‌شود خیلی‌ها از آینده اقتصادی خود بترسند و ممکن است دست به اقداماتی خلاف سیاست‌های دولت‌ها در مهار کرونا بزنند.
خود این مسئله ممکن است منجر به شکل‌گیری اعتراض‌هایی در دنیا شود؟

خطر در این‌گونه اعتراضات می‌تواند تبدیل آنها به خوراکی برای پوپولیسم‌های راست باشد. در آمریکا چنین است و در جریانات رشد فاشیسم در پس از جنگ جهانی دوم نیز چنین بود؛ حزب نازی از طریق جذب گسترده آرای کارگرانی که قبلاً به حزب کمونیست رای می‌دادند، به قدرت رسید. زیرا توانست آنها را قانع کند که تنها این حزب است که از مردم فرودست دفاع می‌کند. این خطر بزرگی است که جنبش‌های فرودستان و حتی جریان‌های فکری طرفدار فرودستان را تهدید می‌کند، اینکه خود به بازپچه‌ای در دست پوپولیست‌های به‌ظاهر مدنی و واقع‌پرداز حاکمیت سرسخت سرمایه‌داری متأخر مالی تبدیل شوند.

آینه

روزنامه‌نگاری

قواعد جعبه سیاه سیاست

● **دکتر روح‌اله اسلامی:** ... روینا و زیربنای جعبه سیاه سیاست، تفاوت زیادی دارد؛ به نحوی که سیاست‌مداران در میان مردم سعی در نشان‌دادن همبستگی ملی و بازنمایی تصمیمات گرفته‌شده بر اساس منافع و مصالح کشور دارند. اما زیربنای جعبه سیاه قدرت، در بسیاری از کشورها ثروت و لذت انحصاری و انباشته‌شده است که می‌تواند مسیرهای توسعه را دگرگون سازد و به‌طور بدیهی با منافع کارگزاران هم‌راستایی دارد. جعبه سیاه سیاست به علت ذات موضوعات عمومی و قواعد متصلب آن، ساختاری محکم از شبکه‌های قدرت تداومی دارد که به راحتی تحول اساسی را پذیرا نیست، حتی اگر نخبگانی علمی، عالمانی مردمی و سیاست‌مدارانی متفاوت به هسته سخت قدرت وارد شوند، پس از چندی مکالمات جعبه سیاه شکل تکراری خواهد گرفت. گاهی حتی ساده‌اندیشی و رویکردهای ایده‌آلیستی که قصد مردمی‌سازی و ارائه خدمات بهداشتی دارند، به دلیل اینکه سایر ابعاد و تعارض منافع را نمی‌بینند، نظام سیاسی را در وضعیت بحرانی قرار می‌دهند. به همین علت است که در دولت - کشورها اجازه جابه‌جایی همه‌جانبه کارگزاران سیاسی را نمی‌دهند و لایه‌های نظامی، قضائی، اریستوکرات‌ها و محصلان سنا برای حفاظت از ساختار هسته سخت شکل گرفته است. قواعدی بر جعبه سیاه سیاست وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

اعتراضات

اخطار قانون‌اساسی بدهید

● **مازیار طاطایی:** به‌طور قطع اطلاع حاصل کرده‌اید که معاونت حقوقی قوه قضائیه مبادرت به تهیه پیش‌نویس آیین‌نامه قانون استقلال کانون وکلا مستند به ماده ۲۲ این قانون کرده است. این آیین‌نامه در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۸ با قید محرمانه و جهت اظهارنظر در خصوص سنا برای اتحادیه کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) ارسال شد. این در حالی است که مطابق ماده ۲۲ قانون استقلال کانون وکلا با رعایت مقررات این قانون آیین‌نامه‌های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات و طرز رسیدگی به تخلفات ... نوع تخلفات و مجازات آنها و ترفیع و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می‌کند و پس از تصویب وزیر دادگستری به موقع به اجرا گذاشته می‌شود». وظایف قوه قضائیه و ریاست محترم آن در اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ قانون اساسی احصا شده است... از آنجایی که به شرح فوق وظیفه تهیه و تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون فوق به ترتیب بر عهده کانون وکلای وزیر دادگستری گذاشته شده است، هرگونه مداخله قوه قضائیه در اصلاح آیین‌نامه فعلی یا تصویب آیین‌نامه جدید مغایر قانون فوق و اصول اساس کانون‌های وکلای دادگستری و اسکودا اقدام معاونت حقوقی قوه قضائیه در تهیه پیش‌نویس آیین‌نامه اجرایی قانون استقلال کانون‌های وکلا را مغایر قانون تشخیص داده و از هرگونه اظهارنظر و مداخله در موضوع مورد درخواست معاونت حقوقی قوه قضائیه امتناع کردند. به‌عنوان کسی که سوگند به پاسداری از حقوق ملت و قانون اساسی یاد کرده‌اید، تقاضا دارم، در اجرای قانون اساسی به قوه قضائیه اخطار قانون اساسی داده و مانع تصویب آیین‌نامه که در مخالفت صریح با قانون استقلال کانون وکلا و اصول صدر‌الذکر قانون اساسی که ناقض استقلال حرفه‌ای وکلا و حقوق ملت در زورخورداری از خدمات حقوقی یک نهاد مستقل است، شوید.

کسبان

رونمایی از:کاسبان کرونا!

● **حسین شریعتمداری:** ... در فضای مجازی و غیرمجازی، گوشه روزنامه، کنار آن رسانه و همه جا دنبال این هستند که مردم را به اضطراب و عدم اعتماد دعوت کنند؛ شما می‌دانید هیچ دارویی برای کرونا بالاتر از اعتماد مردم و روحیه مردم نیست و اگر روحیه، اعتماد به هم و نشاط روحی ما بالا باشد، این ویروس کمتر در ما اثر می‌گذارد». آقای رئیس‌جمهور می‌گویند «بگذاریم از یک گروه کوچکی که کاسبانند و روز تحریم، کاسب تحریم و روز کرونا، کاسب کرونا هستند!» تکلیف کاسب تحریم در فرهنگ جناب روحانی روشن است. ایشان مدت‌هاست که منتقدان برجام را کاسب تحریم! می‌نامند ولی «کاسب کرونا»! برای اولین‌بار است که مطرح می‌شود و البته باز هم از زبان رئیس‌جمهور و از سبوس دیگر در آدرسی که از این‌واژه جدید ارائه می‌دهند، کاسبان کرونا، همان کاسبان تحریم هستند! دربی بازخوانی قصه پرغصه و پرماجرا فاجعه‌های که برای مردم و نظام به دنبال داشته و هنوز هم دارد نیستیم ولی از آنجا که این روزها و دربی شیوع ویروس منحوس کرونا، جناب روحانی روزهای پریشغله‌ای دارند و بعید نیست در ارزیابی مسائل به خطا بروند و اشتباهی را که هفت سال پی‌درپی مرتکب شده بودند، به‌گونه‌های دیگر تکرار کنند؛ «کاسبان تحریم» منتقدان برجام است -که متأسفانه هست- منتقدان برجام تقدیرکنندگان و حامیان اقدامات نظام و مردم در مقابله با کرونا هستند و اگر منظور ایشان از واژه جدید، یعنی «کاسبان کرونا»! شبهه‌افکنان همسو با دشمنان تابلودار مردم و نظام باشد که ظاهراً هست، بیشترین آنها را باید در میان مدعیان حمایت از دولت جست‌وجو کنند.